

پرفسور هرتسفلد و خروج غیرقانونی آثار باستانی

* کریم سلیمانی دهکردی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

پرفسور هرتسفلد در سال ۱۳۰۷ ش بر اساس تصویب «مجلس شورای ملی» به جهت تدریس در رشته تاریخ، جغرافیای تاریخی و باستان‌شناسی به استخدام دولت ایران درآمد. او در طی سال‌های ۳۴ - ۱۹۳۱ م از طرف مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو مأمور کاوش در تخت جمشید شد. وی در روز ۶ مرداد ۱۳۱۲ قصد داشت با اتومبیل شخصی خود از مرز خسروی در غرب کشور خارج شود. مأموران گمرک تعداد ۲۷ قطعه آثار عتیقه را از جامه‌دان او کشف و توقیف کردند.

کلیدواژه‌ها: ارنست هرتسفلد، تخت جمشید، قاچاق اشیاء عتیقه، مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو.

Professor Ernest Herzfeld and Smuggling of Archaeological Work

Karim Soleimani Dehkordi, Ph.D

Assistant Professor, Department of History
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

After The National Parliament's ratification in 1928, Prof. Ernest Herzfeldin came in the service of Iranian state to teach the subjects: History, Historical Geography, and Archaeology. He was ordered by The Oriental Institute of the University of Chicago to excavate in The Persepolis 1931-34. Herzfeld wanted to cross the Khosrawis Frontier in the west of the country with his own automobile on the 6th Mordad 1312. Twenty seven archaeological pieces from Herzfeld's suitcase were discovered and confiscated by customs officers.

Keywords: Ernest Herzfeld, The Oriental Institute of the University of Chicago, Persepolis, Smuggling of Archaeological Works.

پرفسور ارنست هرتسفلد (ERNEST HERZFELD) باستان‌شناس سرشناس آلمانی که در طی عمر خود (۱۸۷۹ - ۱۹۴۸) آثار بسیار ارزشمندی از جمله کتاب «زرتشت و عصر او» را از خود به‌جای گذاشت (Kipfer 2000: 235). براساس جدولی که آقای دکتر عزت‌الله نگهبان عرضه می‌دهد اولین تماس هرتسفلد با آثار باستانی ایران در سال ۱۲۸۹ ش/ ۱۹۱۰ م بود (نگهبان ۱۳۷۶: ۴۸۴). پرفسور هرتسفلد هنگامی که ریاست هیئت حفاری در تخت‌جمشید را به عهده داشت، در تابستان ۱۳۱۳ ش متهم به خروج غیرقانونی بعضی از اشیاء عتیقه از کشور شد.

اسناد مربوط به قاچاق آثار عتیقه ایران در بایگانی سازمان اسناد ملی ایران و نیز مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران موجود است. مقدار بسیار کمی از این اسناد در بایگانی اسناد نخست‌وزیری ایران که در اختیار سازمان اسناد ملی ایران قرار دارد، موجود است. نگارنده به جهت تکمیل اسناد خود در «مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی و گردشگری» وابسته به سازمان میراث فرهنگی-ایران مراجعه نمود. اگرچه اسناد کمی دربارهٔ اشیاء دزدیده شده طبقه‌بندی گردیده است، ولی در آن‌جا هیچ‌گونه سندی دربارهٔ قاچاق آثار عتیقه توسط هرتسفلد نیافت. در منابع منتشر شده به جز کتاب آقای رشید کیخسروی اشاره‌ای به موضوع مورد بحث مقاله حاضر نشده است. نامبرده به‌طور غیرمستند نسبت غارت اشیاء را به هرتسفلد می‌دهد «... از اواخر سال ۱۳۰۹ حفاری تخت‌جمشید به سرپرستی پروفیسور هرتسفلد امریکایی (?) آغاز گردید و این پروفیسور معلوم‌الحال تا دیماه ۱۳۱۳ در سمت ریاست هیأت علمی تخت‌جمشید این آثار باستانی بی‌همتا را به غارت برد» (کیخسروی ۱۳۳۴: ۴۰۵). البته هرتسفلد امریکایی نبود، ولی در سال ۱۳۰۹ ش از جانب انستیتوی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو مأمور حفاری در تخت‌جمشید می‌شود (مصطفوی ۱۳۳۴: ۴۰۵). اسناد موجود نشان می‌دهد اولین کسی که به سفر «قریب‌الوقوع» هرتسفلد شک کرد و آن را به وزارت معارف تهران گزارش نمود، سیدمحمدتقی مصطفوی بود^۱ در واقع تعقیب حرکات پروفیسور هرتسفلد از همین جا شروع شد که در نهایت در مرز خسروی خاتمه می‌یابد. سیدمحمدتقی مصطفوی (۱۲۸۴ - ۱۳۵۹ ش) در سال ۱۳۰۴ ش تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه دارالفنون به پایان برد و سپس به استخدام وزارت معارف درآمد. نامبرده در سال ۱۳۰۷ در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد و در ۱۳۱۰ به خدمت در شعبه «عتیقات وزارت معارف» مشغول شد (مصطفوی ۱۳۸۱: ۱۲). وی در سال ۱۳۱۶ به ریاست اداره کل عتیقات به مدت دو سال منصوب شد و سپس عهده‌دار مسئولیت اداره موزه ایران باستان گردید و در سال ۱۳۲۷ ش بازنشسته شد (همان ۱۲ - ۱۳).

با وجود تماس نزدیک سیدمحمدتقی مصطفوی با هرتسفلد و نظارت دقیق او بر عملیات حفاری در آثار اصلی، وی اشاره‌ای به خروج غیرقانونی اشیاء عتیقه توسط هرتسفلد نمی‌کند. علی‌اصغر حکمت پس از ترجمه کتاب هرتسفلد «تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستانشناسی» از پروفیسور فردریک کرفتر (FRIEDRIK KRAFTER) باستانشناس آلمانی و همکار هرتسفلد در حفاری‌های تخت‌جمشید، تقاضا می‌کند که شرح حال مختصری بر زندگی پروفیسور هرتسفلد بنویسد. ارنست امیل هرتسفلد در ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۹ در ایالت نیدرزاکسن (NIEDER SACHSEN) آلمان به دنیا آمد و در ژانویه ۱۹۴۸ در شهر بال (BASEL) سوئیس از دنیا رفت (هرتسفلد ۱۳۵۴: ۸ - ۱۱). وی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، یونانی، عبری، لاتین، عربی و فارسی مسلط بود. «او از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۶ زبردست استاد مشهور خود پروفیسور دلیتزش (DELITZSCH) در اکتشافات باستانشناسی آشور شرکت کرد و به اصول فنی حفاری آشنا شد و زبان آشوری را نیز آموخت» (همان: ۹).

هرتسفلد در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۰ از پاسارگاد و تخت‌جمشید و تعداد دیگری از مناطق باستانی ایران دیدن و درباره آن‌ها تحقیق کرد. نامبرده در ۵ ژانویه ۱۹۲۴ (۱۷ جدی ۱۳۰۲ش) بنا بر درخواست رسمی فیروزمیرزا نصرت‌الدوله، والی وقت فارس، اقدام به یک مطالعه گسترده شش هفته‌ای نمود. او در این مطالعه ضمن وضعیت‌سنجی از تخت‌جمشید، یک نقشه عمومی از وضع موجود آن‌جا تهیه نمود (مصطفوی ۱۳۳۴: ۴۰۴).

مجلس شورای ملی به ریاست حسین پیرنیا در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۰۷ طی یک مصوبه پنج ماده‌ای به دولت ایران اجازه داد که پروفیسور هرتسفلد «معلم دارالعلوم برلن» را برای مدت سه سال به استخدام خود درآورد.^۲

دولت ایران در ۱۷ دی ۱۳۰۷ با انعقاد یک قرارداد ۱۱ ماده‌ای هرتسفلد را برای مدت سه سال به منظور «معلمی تاریخ و جغرافیای تاریخی و آرکولوژی (علم آثار عتیقه) استخدام» نمود.^۳ وی برای سال‌های ۳۴ - ۱۹۳۱ از طرف مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو مأمور کاوش در تخت جمشید شد. در طی این سال‌ها بود که هرتسفلد موفق شد آثار بسیاری را از زیرخاک بیرون آورد (واندنبیگ ۱۳۴۸: ۲۹).

هرتسفلد ایران را در ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ش) ترک کرد و اریک اشمیدت (E.SCHMIDT) باستان‌شناس آمریکایی، به جای وی تا سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸ش) به حفاری در تخت‌جمشید

۲ - سازمان اسناد ملی ایران، ۲۹۲۳/۰۶۹۵۲/۶۴۳ ق ۵ ب آ ۱.

۳ - سازمان اسناد ملی ایران، ۲۵۲۹۶/۰۳۵۲۹۷/۸۴۷ ل ۳ آ پ ۱، سند ۲۳۷۴/۱۹۰۸۳ - ۱۳۰۷/۱۰/۱۷.

ادامه داد (همان: ۳۰). هرتسفلد در سال‌های ۳۶ - ۱۹۳۵ م در انگلستان به سر برد و در همین ایام کتاب «تاریخ ایران بر پایه باستان‌شناسی» را منتشر کرد (هرتسفلد ۱۳۵۴: ۱۱).

چنان‌چه در مقدمه مقاله حاضر بیان شد، سیدمحمدتقی مصطفوی ناظر مرمت در تخت‌جمشید در ضمن عملیات حفاری‌های پاییز ۱۳۱۲ش نسبت به رفتار پرفسور هرتسفلد دچار شک و تردید شد. وی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۲ در چهارچوب گزارش‌های منظم خود از عملیات مربوط به تخت‌جمشید و نقش رستم به «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» از «مسافرت قریب‌الوقوع پرفسور هرتسفلد» خبر داد.^۴

ظاهراً ناظر وزارت معارف در تخت‌جمشید سابقه ذهنی مناسبی از سفرهای پرفسور هرتسفلد نداشته. که به «مقام وزارت» گزارش می‌دهد «...شاید تا ده روز دیگر پرفسور به آلمان عزیمت نماید. نظر به این که اطلاع قبلی آن مقام منبع از مسافرت این شخص لازم و تاکنون تصمیم قطعی در این که از کدام راه برود اتخاذ ننموده و ممکن است خبر حرکت مشارالیه دیر به عرض عالی برسد؛ به این جهات فدوی از حالا قصد مسافرت مزبور معروض حضور مبارک داشته تا در حصول اطلاع از این مسافرت تأخیری رخ ندهد.»^۵ و این در حالی است که در اوایل اردیبهشت ماه سفارت آلمان از «اداره تذکره و سجلات وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران» برای خروج پروفیسور هرتسفلد از طریق بوشهر تقاضای ویزا کرد.^۶ لذا وزارت امور خارجه ایران به نام برده «ویزای سیاسی نمره ۱۷ - ۱۳۱۲/۲/۶» برای خروج از مرز بوشهر را صادر نمود.^۷

علت «قریب‌الوقوع» خواندن مسافرت پرفسور هرتسفلد توسط سیدمحمدتقی مصطفوی به این دلیل بود که پرفسور هرتسفلد با وجود این که بیش از بیست روز ویزای خروج خود را دریافت کرده بود، قصد خود را از سفر به اطلاع مسئولین ایرانی نرسانده بود. مهمتر این که وی می‌بایست منتظر می‌ماند تا مسیو کرفتر (KRAFTER) معمار تخت «که به آلمان عزیمت نمود و قرار بود پس از مراجعت مشارالیه هرتسفلد به آلمان مسافرت نماید.»^۸ هشت روز بعد از گزارش ناظر مرمت وزارت معارف، در یک نامه محرمانه فوری و مستقیم نگرانی‌های

۴ - سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶/۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۲۲ - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۲.

۵ - همان.

۶ - آرشیو وزارت امور خارجه ایران، ۳ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.

۷ - همان.

۸ - سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶/۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۲۲ - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۲.

حاصل از سفر قریب‌الوقوع هرتسفلد را در خطاب به وزارت مالیه با وضوح بیشتری بیان می‌دارد «پرفسور هرتسفلد خیال مسافرت به آلمان دارد به طوری که می‌گویند مشارالیه در سفارت آلمان دارای عنوانی است که به موجب آن ممکن است بارهایی که همراه دارد در سرحد باز و معاینه نشود. در صورتی که معاینه و تفتیش آن‌ها بسیار لازم است. بنابراین متمنی است دستور مقتضی به اداره کل گمرکات صادر فرمایید که در سرحد جامدان و صندوق و سایر بارهای مشارالیه را تحت تفتیش و رسیدگی قرار بدهند»^۹

وزارت معارف در یک نامه محرمانه دیگر به تاریخ ۹ خردادماه به وزارت مالیه اعلام می‌دارد «پرفسور هرتسفلد چند روز دیگر به آلمان مسافرت می‌کند. از قرار مسموع در سنوات قبل صندوق‌های ایشان را در سرحد باز نمی‌کردند». بنابراین از وزارت مالیه تقاضا می‌شود «متمنی است مقرر فرمایید که مأمورین مربوطه البته با رعایت مراسم ادب که مقتضی مقام ایشان است، محتویات کلیه صندوق‌ها و بارهای ایشان را کاملاً معاینه نمایند»^{۱۰} در ۱۱ خرداد وزارت مالیه به وزارت معارف اطلاع می‌دهد «به اداره کل کرمان دستور داده شد که محتویات صندوق‌های آقای پرفسور هرتسفلد را معاینه نمایند ولیکن مرقوم نفرموده‌اید مشارالیه از چه راهی حرکت می‌کند»^{۱۱}

در پاسخ نامه فوق، وزارت معارف اذعان می‌داد «چون آقای هرتسفلد خط سنیر خود را معین نکرده است، بنابراین نمی‌توان به‌طور تحقیق معین نمود از کدام مرز خارج خواهد شد علی‌الظاهر خروج مشارالیه از بوشهر یا محمره یا قصر شیرین خواهد بود»^{۱۲}

در این میان هرچه زمان می‌گذرد نگرانی مسؤولان ایرانی از یک طرف بیشتر می‌شد و از طرف دیگر وی را در محل اقامتش، شیراز، زیرنظر می‌گیرند. فیوضات مأمور اداره معارف شیراز طی تلگرافی در ۹ خرداد به وزارت معارف اطلاع می‌دهد، هرتسفلد هنوز در شیراز به‌سر می‌برد ولی نام برده «در انتخاب طریق حرکت مردد می‌باشد. بعد هرچه کشف شد عرض می‌شود»^{۱۳}

وزارت مالیه در اواخر خرداد از وزارت معارف استعلام می‌نماید «... معلوم فرمایید پرفسور هرتسفلد تذکره سیاسی از دولت آلمان دارد، یا تذکره عادی. مقصود این است معلوم شود

۹ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۳۱۲/۳/۸.

۱۰ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۸۰۴۴ - ۱۳۱۲/۳/۱۱ ش.

۱۱ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۸۰۴۴ - ۱۳۱۲/۳/۱۱ ش.

۱۲ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۶۱۷۲ - ۲۶۴۱ - ۱۳۱۲/۳/۱۴ ش.

۱۳ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۲۷۹ - ۱۳۱۲/۳/۱۹.

ویزای خروج از وزارت جلیله امور خارجه تحصیل می‌نماید، یا از اداره نظمیّه.^{۱۴} بنابراین وزارت معارف در ارتباط با نوع «تذکره» هرتسفلد و این که ایشان جزء اعضاء هیأت سیاسی است یا نه، از وزارت امور خارجه کمک می‌گیرد.^{۱۵}

وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۱۰ تیرماه به وزارت معارف جواب می‌دهد که هرتسفلد «از طرف دولت آلمان تذکره سیاسی در دست دارد و اگرچه به ملاحظاتی به تذکره او بهتر است که ویزای سیاسی داده نشود، مع ذلک اشتهاً در تاریخ ۶ اردیبهشت برای مدت یک ماه از طریق بوشهر به مشارلیه ویزای سیاسی داده شده لکن برطبق اطلاع واصله، مشارلیه تا تاریخ ۷ خرداد در شیراز بوده و تا حالیه از ویزای مذکور استفاده ننموده است. چون پروفیسور مشارلیه دارای تذکره سیاسی است به تذکره او در وزارت امور خارجه ویزای خروج داده خواهد شد؛ منتهی ویزای مجانی داده می‌شود، نه ویزای سیاسی.»^{۱۶} بعد از چهار روز وزارت معارف مصرانه از وزارت امور خارجه تقاضا می‌کند «نظر به مذاکراتی که در اطراف مرمت و حفاری در تخت جمشید شایع است، تمنی دارد به تذکره آقای پروفیسور هرتسفلد ویزای مجانی داده شود تا وسایل تفتیش بارهای مشارلیه در موقع خروج از سرحد کاملاً فراهم گردد.»^{۱۷}

وزارت مالیه با دقت تمام مسأله خروج هرتسفلد از ایران را پی‌گیری کرده و از اداره تذکره وزارت امور خارجه درخواست می‌کند هرگاه به هرتسفلد ویزای خروج داده شد، یک نسخه از آن نیز برای وزارت مالیه ارسال شود تا وزارتخانه مزبور نیز به‌طور کامل در جریان مسافرت هرتسفلد قرار داشته باشد.^{۱۸}

سرانجام آقای هرتسفلد تصمیم می‌گیرد از ایران خارج شود، لذا سفارت آلمان در تهران به تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۳ از «اداره تذکره و تابعیت و سجلات وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران» برای آقای هرتسفلد که از طریق کرمانشاهان عازم آلمان می‌باشد، تقاضای ویزای سیاسی کرد.^{۱۹} (همان: سند. ۱۱ - ۴۳/۲۶ - ۲۵). وزارت امور خارجه ایران در ۳۱ تیرماه همین سال برای هرتسفلد ویزای مجانی صادر کرد.^{۲۰}

۱۴ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۹۸۸۴ - ۱۳۱۲/۳/۲۷.

۱۵ - سازمان اسناد ملی ایران، سند ۷۴۳۷/۳۱۶۶ - ۱۳۱۲/۳/۳۰.

۱۶ - آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۵ - ۴۳/۲۶ - ۱۳۱۲/۲۵ ش.

۱۷ - سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶/۲۹۷۰۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۸۵۳۹/۳۷۱۳ - ۱۳۱۲/۴/۱۴.

۱۸ - آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۷ - ۴۳/۲۶ - ۱۳۱۲/۲۵ ش.

۱۹ - آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۱۱ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲.

۲۰ - همان.

پرفسور هرتسفلد در روز ۶ مرداد ماه ۱۳۱۲ با اتومبیل شخصی خود از طریق قصر شیرین برای خروج از ایران وارد گمرک خسروی شد. مأمورین گمرک خسروی در چمدان وی ۲۷ قطعه از آثار عتیقه کشف کردند که و توسط رئیس دفتر گمرک خسروی، فلیپ، و بقیه مسئولین گمرک صورت مجلس شده هرتسفلد شخصاً آن را امضا کرد.^{۲۱}

سیدحسن تقی‌زاده، وزیر مالیه وقت، در یک گزارش کوتاه آن چه را که در ارتباط با پرفسور هرتسفلد در گمرک خسروی گذشت، برای وزیر امور خارجه توضیح می‌دهد.^{۲۲} در گزارش مزبور تأکید شده است که مأمورین ایرانی در گمرک خسروی با پرفسور هرتسفلد در کمال ادب رفتار کرده‌اند و چون از نامبرده درباره محتویات چمدان‌های وی استعلام نمودند، او درباره همه آن‌ها توضیحات لازم را داد؛ ولی از توضیح درباره یک جامه‌دان کوچک خودداری نمود، «این مسأله در متصدیان گمرک تولید سوءظن نموده؛ خلاصه آن که حدس می‌زدند شخص مزبور اشیاء عتیقه خیلی گرانبها همراه خود دارد.»^{۲۳} پرفسور هرتسفلد که انتظار نداشت مأمورین گمرک این چنین جدی چمدان‌های او را مورد بازرسی قرار دهند، به شدت عصبانی شد و حتی یک‌بار اشیاء عتیقه را از روی میز گمرک برداشت و تصمیم گرفت به تهران مراجعت نماید.^{۲۴} ولی ساعتی بعد از تصمیم خود منصرف شد و تمام اشیاء را در اختیار اداره گمرک قرار داد.^{۲۵}

متن یک سند حاکی از این واقعیت است که پس از حادثه مزبور، پرفسور هرتسفلد از کاوش‌های باستان‌شناسی محروم می‌شود.^{۲۶} اما همچنان او در محافل سیاسی و علمی ایران از احترام برخوردار بوده است.^{۲۷} وی در سال ۱۳۱۲ش (۱۹۳۴) ایران را ترک کرد و به جای او اریک اشمیت اداره کاوش‌های تخت‌جمشید را به عهده می‌گیرد (واندنبگ ۱۳۴۸: ۳۰).

نتیجه‌گیری

در ایامی که پرفسور هرتسفلد ریاست عملیات کاوش در تخت‌جمشید را به عهده داشت، تعداد زیادی از سنگ‌ها و مجسمه‌های تخت‌جمشید به‌طور قاچاق از ایران خارج شده و در شهرهای

۲۱ - آرشو وزارت امور خارجه، سند ۳۷ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش (به کپی این سند در ضمیمه مقاله مراجعه شود).

۲۲ - آرشو وزارت امور خارجه، سند ۲۹ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش (به کپی این سند در ضمیمه مقاله مراجعه شود).

۲۳ - همان.

۲۴ - آرشو وزارت امور خارجه، سند ۳۵ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.

۲۵ - آرشو وزارت امور خارجه، سند ۳۶ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.

۲۶ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد مجموعه نخست‌وزیری، شماره تنظیم، ۱۰۲۰۰۸، شماره پاکت ۱۷۷۳، سند ۷-۵۳۰/۱۵۳۰۷-۴۸۱۰/۱۱/۱۸-۱۳۱۳.

پاریس، شیکاگو، بوستون و نیویورک به فروش می‌رفته است. این امر توجه نمایندگی‌های سیاسی ایران در فرانسه و آمریکا را به خود جلب کرده و از طرف وزارت امور خارجه ایران مأموریت می‌یافته‌اند تا مسیر قاچاق اشیاء باستانی ایران را کشف کنند.

در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۱۲ (۱۶ مه ۱۹۳۳) سفارت ایران در پاریس درباره فروش «احجار منقوش تخت‌جمشید» که در پاریس به فروش رسیده است، گزارش می‌دهد.^{۲۸} در تیرماه ۱۳۱۲ به وزارت امور خارجه ایران گزارش می‌رسد که «هفت پارچه» از سنگ‌های تخت‌جمشید در معرض فروش قرار گرفته است، یکی از آن‌ها را به موزه بوستون و یکی دیگر در شیکاگو فروخته شده است.^{۲۹}

مقامات سیاسی ایران از قاچاق و فروش سنگ‌های تخت‌جمشید در آمریکا عصبانی و نسبت به آن به شدت حساس شدند. وزارت امور خارجه در نامه‌ای به «سفارت شاهنشاهی - واشنگتن» اعلام می‌دارد «وزارت امور خارجه به این موضوع نهایت اهمیت را داده و لازم می‌داند، اولاً تحقیقات کامل و دقیقی به عمل آید که حجازی‌هایی که در آمریکا دیده شده، به چه وسیله‌ای به آن‌جا رفته است. ثانیاً معلوم بنمایید که آیا طبق قوانین و مقررات دولت آمریکا، موزه‌ها یا اشخاص مجاز هستند که آثار تاریخی یک مملکتی را [که] برخلاف موازین قانونی آن مملکت و به‌طور سرقت خارج شده است، خریداری بنمایند یا خیر.»^{۳۰}

چنان‌چه پیش از این بیان شد، فروش سنگ‌های تخت‌جمشید در اروپا و آمریکا، مسؤولان ایرانی را بر آن داشت، تا مسیر قاچاق این اشیاء را کشف کنند. طبیعی بود، فعالیت‌های گروه کاوشگری که از طرف مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در تخت‌جمشید به حفاری می‌پرداخت، از جانب مقامات ایرانی با دقت بیشتری زیر نظر گرفته شود، چنان‌چه حدس و گمان آن‌ها در مورد پرفسور هرتسفلد درست از آب درآمد. اگرچه خروج غیرقانونی اشیاء عتیقه از ایران در شأن یک چهره علمی بزرگ چون پرفسور هرتسفلد نبود و ایرانیان چند دهه بود که از خروج و سرقت ذخایر فرهنگی و ملی خود در رنج بودند؛ با وجود این مجامع علمی و سیاسی ایران شأن علمی این دانشمند آلمانی را از خطایی که توسط ایشان صورت گرفته بود، متمایز نمودند.

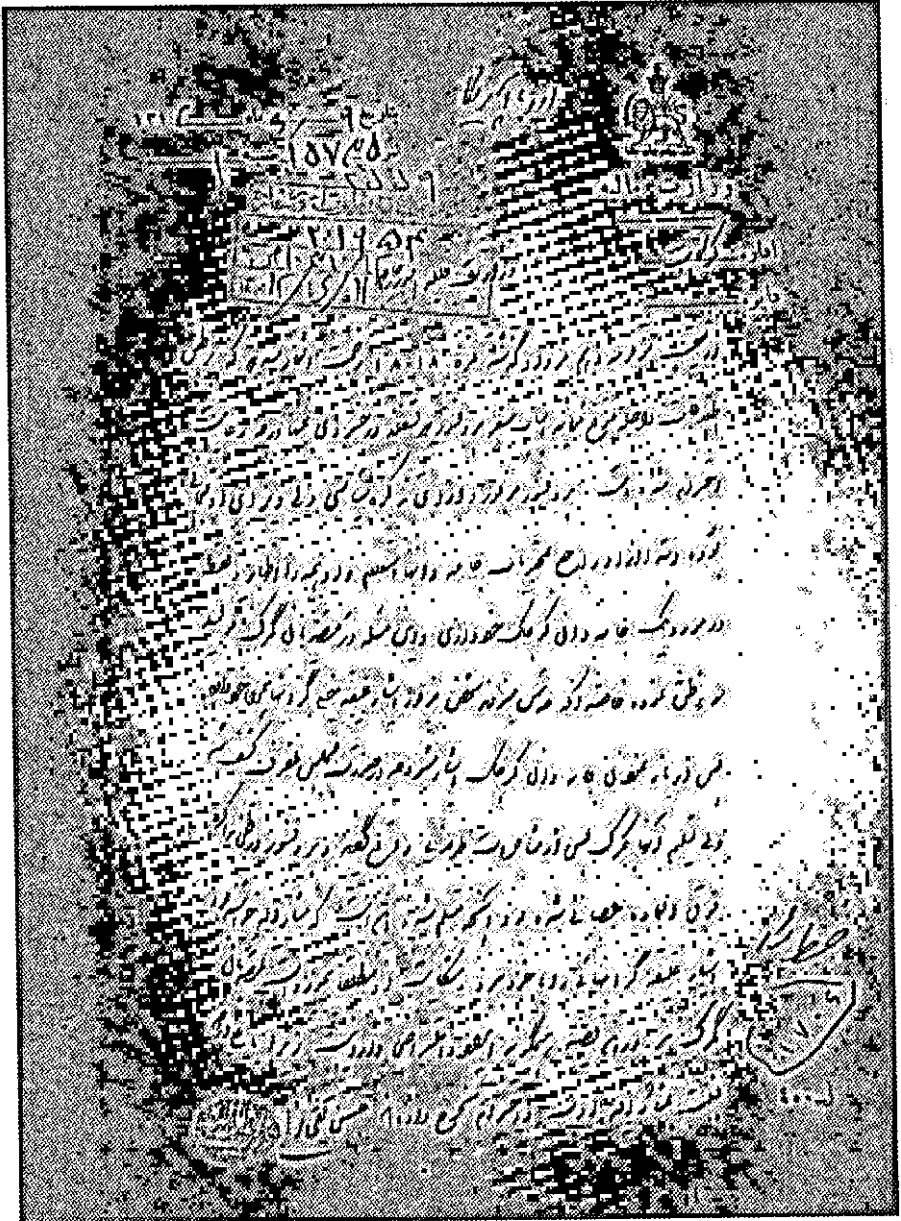
۲۸ - وزارت امور خارجه ایران، تاراج میراث ملی، سند شماره ۷۱، ۱۳۷۸.

۲۹ - وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۶۴.

۳۰ - وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۶۳.

ضمیمه





آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۲۹ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ ش

منابع

- کیخسروی، رشید. ۱۳۶۳. *دوران بی‌خبری، گنج زیویه و دردنامه روستاییان زیویه*. بی‌جا: ناشر رشید کیخسروی.
- مصطفوی، سیدمحمدتقی. ۱۳۳۴. *تلاش در راه خدمت به آثار ملی، گزارش‌های باستان‌شناسی*. جلد سوم. تهران: اداره کل باستان‌شناسی.
- _____ ۱۳۸۱. *مجموعه مقالات. گردآوری مهدی صدری*. جلد اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- نگهبان، عزت. ۱۳۷۶. *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. وزارت امور خارجه ایران. ۱۳۷۸. *تاراج میراث ملی*. جلد چهارم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات. واندنبرگ، لوئی. ۱۳۴۸. *باستان‌شناسی ایران باستان*، با مقدمه گیرشمن. ترجمه عیسی بهنام. تهران: دانشگاه تهران.
- هرتسفلد، ارنست (پرفسور). ۱۳۵۴. *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- Kipfer, B.A. 2000. *Encyclopedic Dictionary of Archaeology*. Kluwer Academic: Plenum Publisher.

اسناد منتشر نشده

- آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۳ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۵ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۷ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۱۱ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۳۷ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۹ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۳۵ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۳۶ - ۴۳/۲۶ - ۲۵ - ۱۳۱۲ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶/۲۹۷۰۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۳۲ - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۲.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶/۲۹۷۰۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۱۳۱۲/۳/۸.

- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۵۵۹۲/۲۵۷۱-۱۳۱۲/۳/۹ ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۸۰۴۴-۱۳۱۲/۳/۱۱ ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۲۶۴۱-۶۱۷۲-۱۳۱۲/۳/۱۴ ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۱۲۷۹-۱۳۱۲/۳/۱۹.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۹۸۸۴-۱۳۱۲/۳/۲۷.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۷۴۳۷/۳۱۶۶-۱۳۱۲/۳/۳۰.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۳۹۶-۲۹۷۰/۲۲۸ غ ۲ آپ ۱، سند ۸۵۳۹/۳۷۱۳-۱۳۱۲/۴/۱۴.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۶۹۵۲-۲۹۳۰/۶۴۳ ق ۵ ب آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران، ۲۵۲۹۶-۲۹۷۰/۸۴۷ ل ۳ آپ ۱، سند ۲۳۷۴۱/۹۰۸۳-۱۳۰۷/۱۰/۱۷.
- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد مجموعه نخست وزیری، شماره تنظیم، ۱۰۲۰۰۸، شماره پاکت ۱۷۷۳، سند ۴۸۱۰۱/۵۳۰۷-۱۳۱۳/۱۱/۱۸.